

Cyberspace Governance Pattern in the Islamic Republic of Iran

Mohammad Babaei¹

Hossein Ghasemy²

Afroz Farrokhi³

Abstract

The purpose of the article is to identify the cyberspace governance model in Iran. Similar to the experience of the conventional media era, governments want to dominate cyberspace with the same characteristics as print and electronic media and manage it in an authoritarian manner. The experience of cyberspace governance in the Islamic Republic has also shown that the nature of this governance is generally authoritarian and centralized, and in the meantime, people-oriented governance considerations have been marginalized. Such a mechanism ultimately pushes the cyberspace governance model towards security. The main question of the article is what model does the cyberspace governance model follow in Iran? In order to document this view based on the case study method and with the aim of achieving a practical model for cyberspace policy-making in the Islamic Republic, the laws, regulations, and policies announced regarding the two platforms Twitter and Telegram have been examined. The research findings show that securitization of governance on the one hand and marginalization of popular attachments have been two important features of space governance in Iran so far.

Keywords: Cyberspace, Governance, Twitter, Telegram, Securitization



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
اگویایی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوراسلامی ایران؛
مطالغهموردی توییتز
وتلگرام

1- Assistant Professor, Department of Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

(mohammadbabaei@khu.ac.ir)

2- Graduated from Master's degree in Political Science of Khwarazmi University, Tehran, Iran.

(hsynqasmy45@gmail.com)

3- Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

(afrooz_farrokhi1350@yahoo.com)

الگویابی حکمرانی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی توئیتر و تلگرام

محمد بابایی^{۱*}

حسین قاسمی^۲

افروز فرخی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

چکیده

هدف مقاله شناسایی الگوی حکمرانی فضای سایبر در ایران است. دولت‌ها بمانند تجربه دوران غلبه رسانه‌های متعارف، مایلند بر فضای مجازی با همان مختصات رسانه‌های چاپی و الکترونیکی، سلطه یابند و آمرانه آن را مدیریت کنند. تجربه حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی نیز نشان داده است ماهیت این حکمرانی عموماً آمرانه و متمرکز است و در این بین ملاحظات حکمرانی مردم‌مدار هم به حاشیه رانده شده است. چنین سازوکاری در نهایت مدل حکمرانی فضای سایبر را به سوی امنیتی شدن سوق می‌دهد. پرسش اصلی مقاله آن است الگوی حکمرانی فضای سایبر در ایران از چه مدلی پیروی می‌کند؟ به منظور مستندسازی این دیدگاه بر اساس روش مطالعه موردی و با هدف دستیابی به الگوی عملی سیاستگذاری فضای سایبر در جمهوری اسلامی، به بررسی قوانین، مقررات و سیاست‌های اعلام شده در خصوص دو پلتفرم توئیتر و تلگرام پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امنیتی‌سازی فضای حکمرانی از یک سو و نیز به حاشیه راندن پیوسته‌های مردمی، دو ویژگی مهم حکمرانی فضای تانگون در ایران بوده است.

واژه‌های کلیدی: فضای سایبر، حکمرانی، توئیتر، تلگرام، امنیتی‌سازی



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توئیتر
و تلگرام

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mohammadbabaei@khu.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران
hsynqasmy45@gmail.com

۳- گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
afrooz_farrokhi1350@yahoo.com

مقدمه^۱

رسانه‌های اجتماعی به مثابه بستری برای اطلاع رسانی از ابتدای به کارگیری در جمهوری اسلامی، محل توجه حکومت بوده‌اند. این رسانه‌ها گاه در قالب شبکه‌های اجتماعی، به واسطه ویژگی‌ها و امکانات خاصی که دارند بستری برای اجتماعات آنلاین، آفلاین و تعامل آزاد ایده‌ها و نظرات شده‌اند و البته متأثر از فضای سیاسی- اجتماعی ایران اقبال کاربران را در پی داشته‌اند. از این نظر توئیتر و تلگرام دو شبکه محبوب ایرانیان به شمار می‌روند (مرکز پژوهشی بتا، ۱۴۰۱). مسئله در این میان نوع مقررات‌گذاری و مدیریت و به عبارتی حکمرانی این فضا در ایران است. به نظر میرسد جمهوری اسلامی در مواجهه با این پدیده بدون داشتن سیاستی مشخص، به صورت واکنشی عمل میکنند. نبود سیاست مدون و هدفمند، سبب شده است مواجهه با فضای سایبر دستخوش نگرش‌هایی بشود که آن را نه یک بستر و فرصت، که تهدید به شمار آورند. نگاه اجمالی به واکنش نهادهای مسئول در جمهوری اسلامی، عملکرد ایشان و نیز وضع مقررات این حوزه بیانگر غلبه چنین نگاهی بر فضای سایبر است. ادعای مقاله این است که چنین رویکردی در نهایت به امنیتی‌سازی حکمرانی فضای سایبر منتهی می‌شود. نگاه امنیتی‌ساز در حکمرانی فضای سایبر نیز مانع درک واقع بینانه ماهیت چنین فضایی شده است. مطالعات در این باره نیز نشان می‌دهد این موضوع همچنان نیازمند بررسی ابعاد آن است.

۱- این مقاله بخشی از یک پژوهش گسترده است که به صورت فشرده و خلاصه ارائه شده است.



مثلا شماری از مطالعات، معطوف به شناخت تاثیر این فضا بر امنیت ملی ایران است. علی خلیلی پور رکن‌آبادی و یاسر نورعلیوند (۱۳۹۱) در مقاله «تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی»؛ امیر قدسی (۱۳۹۲) در مقاله «تأثیر فضای سایبر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد؛ با تاکید بر ایفای نقش سرمایه اجتماعی»؛ حسین حسینی، حمیدرضا مقدم فر و مصطفی قنبرپور (۱۳۹۳) هم در مقاله «واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران»؛ مطالعه «تأثیر فضای سایبر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی» نوشته بصیر عسگری و سمانه گلی (۱۳۹۷)؛ مطالعه غلامرضا ندری، احمد بخشایشی، علی دارابی و مجتبی مقصودی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نقش سیاسی-امنیتی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» و نیز مطالعه پروین خالصی، محمد باقر بابائی و محمد مهدی مظاهری (۱۳۹۸) در مقاله «چالش‌ها، فرصت‌ها و اثرات سیاسی فضای سایبر در نظام جمهوری اسلامی ایران» بر همین رویکرد متمرکز هستند. از نگاه این پژوهشگران فضای سایبر با توجه به ظرفیت‌هایی که دارد، گاه سبب شده است امنیت ملی تحت تأثیر قرار بگیرد. این پژوهشگران در مطالعات خود البته راهکارهایی را نیز برای کاهش این تأثیرپذیری پیشنهاد می‌کنند.

از سویی برخی مطالعات درباره شناخت فرایندهای امنیتی سازی رویدادها در ایران و یا استخراج الگویی تجربی از شیوه مدیریت فضای سایبر در ایران است. مطالعه عبدالرضا امیری (۱۳۹۱) در مقاله «مطالعه فرایند و متغیرهای مؤثر بر امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی در ایران»؛ و نیز مطالعه جعفر فینی زاده بیدگلی، امیر هوشنگ خادم دقیق و محمد شفیق (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) در جمهوری اسلامی ایران» و همچنین پژوهش سیدابوالحسن فیروزآبادی و جواد احمدآبادی آزادی (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل پیشینه حکمرانی فضای سایبر جمهوری اسلامی ایران» در زمره این دسته از مطالعات هستند.

مجموعه دیگری از مطالعات نیز درباره دیدگاه مکتب کپنهاگ و نقد آن است.

مقاله «نقد نظریه فرهنگ امنیت ملی با تأمل در آثار باری بوزان و مکتب کپنهاگ» نوشته علی آدمی (۱۳۹۴)؛ پژوهش رسول زارعزاده (۱۳۹۶) در مقاله «نگاه کپنهاگی به امنیتی سازی: مبانی و چالش‌ها»؛ مقاله «جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل» نوشته محمد تقی آذرشیب، مرتضی نجم آبادی و رامین بخشی تلیابی (۱۳۹۶) و نیز پژوهش علی عبدالله‌خانی (۱۳۸۵) نیز در زمره این دسته از مطالعات قرار می‌گیرند.

با وجود این مطالعات اما یکی از حوزه‌های نیازمند بررسی بیشتر، شیوه حکمرانی فضای سایز در ایران است. این حوزه به ویژه مستلزم نقد و بررسی جدی است. در میان مطالعات یادشده تنها مطالعه فیروزآبادی و همکارانش از این جهت که به نقد شیوه حکمرانی و استخراج مدلی تجربی پرداخته بودند با موضع مطالعه حاضر همسوست. مطالعه حاضر اما در صدد نقد شیوه حکمرانی براساس انطباق آن با نظریه امنیتی سازی کپنهاگ است و از این نظر جدید است.

۱- مبانی نظری

با گسترش استفاده از امکانات فضای سایز میان مردم، دولت‌ها به منظور حکمرانی بر آن از شیوه‌های مختلفی بهره می‌برند. اینکه دولت‌ها کدام شیوه را یا ترکیبی از آنها را برگزینند بیش از هر چیز با ماهیت نظام سیاسی آن بستگی دارد. در مجموع محققان رویکرد نظری زیر را درباره شیوه‌های حکمرانی فضای سایز مطرح می‌کنند.

شیوه‌های حکمرانی فضای سایز

- نظارت و کنترل

بسیاری از دولت‌ها به‌ویژه کشورهای برخوردار از رژیم‌های غیر دموکراتیک، از نظارت و کنترل شدید بر فضای سایز استفاده می‌کنند. در این نوع حکمرانی، دولت‌ها با استفاده از ابزارهای فنی و قانونی، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات اینترنتی را محدود می‌کنند. به‌عنوان مثال، دولت چین

با استفاده از آنچه «دیوار آتش بزرگ»^۱ نامیده می شود، اینترنت را به صورت گسترده‌ای سانسور و دسترسی به وبسایت‌های خارجی را محدود می‌کند (مورل، ۲۰۱۳: ۱۴). این شیوه عموماً شامل مسدود کردن وبسایت‌ها، فیلتر کردن محتوا و کنترل بر فعالیت‌های کاربران است.

- تنظیم گری و قانون گذاری

در برخی کشورها، دولت‌ها به جای نظارت مستقیم و کنترل کامل، به تنظیم گری و قانون گذاری فضای سایبری پردازند. این کشورها قوانین و مقرراتی را برای حفاظت از حریم خصوصی، حقوق کاربران و امنیت اطلاعات وضع می‌کنند. اتحادیه اروپا با تصویب مقررات حفاظت از داده‌های عمومی^۲ نمونه‌ای از چنین رویکردی است (استرین، ۲۰۱۸: ۳۲). این مقررات تلاش دارند تا ضمن حمایت از حقوق کاربران، شرکت‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را به مسئولیت پذیری وادار کنند.

- خودتنظیمی و همکاری با بخش خصوصی

در برخی کشورها، دولت‌ها بیشتر بر خودتنظیمی تأکید دارند. به این معنا که با همکاری بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی، فضای سایبر را حکمرانی می‌کنند. در این مدل، دولت‌ها از طریق مشاوره و همکاری با شرکت‌های فناوری و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، چارچوب‌هایی را برای خودتنظیمی ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال، در ایالات متحده، بسیاری از مقررات فضای سایبر توسط شرکت‌های بزرگ فناوری مانند گوگل و فیس‌بوک تنظیم می‌شوند و دولت نقش نظارتی محدودی ایفا می‌کند (پری، ۲۰۱۹: ۲۸)

- رویکردهای مشارکتی و چندجانبه‌گرایی

در این شیوه، دولت‌ها به همراه سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای غیردولتی

۱- Great Firewall: پروژه دولت چین برای کنترل اینترنت که در آن از فناوری‌های مختلف کنترل شبکه برای

اعمال سیاست‌های خود در اینترنت کشور استفاده کرده‌است.

2- General Data Protection Regulation (GDPR)



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتر
و تلگرام

و بخش خصوصی در حکمرانی فضای سایبرهمکاری می‌کنند. این رویکرد بر مبنای چندجانبه‌گرایی است و هدف آن هماهنگی و ایجاد چارچوب‌های مشترک در سطح بین‌المللی برای تنظیم فضای سایبراست. به عنوان مثال، سازمان بین‌المللی آی‌کان^۱ - شرکت اینترنتی نام‌ها و شماره‌های واگذار شده مسئول تنظیم نام دامنه‌ها و آدرس‌های اینترنتی در سطح جهانی است (گودین، ۲۰۱۷: ۷۶). این شرکت به این موارد رسیدگی می‌کند: کنترل مسائل فنی سامانه ثبت نام دامنه‌ها، کنترل صحت آدرس‌های کاربران، کنترل و مدیریت توزیع نمایندگی برای نام دامنه‌ها، امور مالی، کنترل محتوای اینترنت، کنترل اسپم‌ها و کنترل مالکیت نام دامین‌ها) (<https://atgo.ir/icann>)

نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ

به منظور تبیین فرضیه مقاله، از نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ نیز بهره گرفته شده است. این نظریه با توجه به شاخص‌های کاربردی که به منظور سنجش کیفیت امنیتی سازی فرایندهای اجتماعی ارائه می‌کند تا حد زیادی برای فهم چگونگی فرایند امنیتی سازی حکمرانی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران مناسب به نظر می‌رسد.

تا چند دهه پیش مفهوم امنیت عموماً از نگاه کشمکش نظامی تبیین می‌شد (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 3). مکتب کپنهاگ بر خلاف نگاه سنتی به مفهوم امنیت (متاثر از دوران جنگ سرد)، آن را فقط نظامی نمی‌نگرد بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیستمحیطی نیز برای فهم آن در نظر می‌گیرد (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 4-5). در دیدگاه سنتی در بهترین حالت، امنیت گونه‌ای تثبیت مناسبات تعارض آلود یا تهدید کننده، آن هم اغلب از طریق بسیج اضطراری دولت بود؛ اما اکنون امنیت نوین دستخوش تحول بنیادین است و به ایده‌ای سازمان دهنده در مطالعات بین‌المللی تبدیل شده است (آذرشیب، ۱۳۹۶: ۹۲). هم از این روست که مکتب کپنهاگ امنیت را صرفاً در سطح ملی، فراملی و نظام بین‌المللی ندیده، آن را به قلمروهای

1-- Internet Corporation Assigned Names And Numbers (ICANN)



فرمولی^۱ و حتی فردی^۲ نیز تسری می‌بخشد (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 5-6).

آنچه در این مکتب برای مطالعه حاضر مهم است مفهوم «امنیتی سازی»^۳ است. یعنی زمانی که موضوعی «تهدیدی وجودی» تلقی می‌شود، مستلزم اقدامات فوریتی^۴ و توجیه کننده عملکردهایی فراتر از محدودیت رویه‌های سیاسی معمول است (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 23-24). از این رو چنانچه «بازیگر امنیتی‌ساز» با یک استدلال مبنی بر الویت و تهدید وجودی بودن مسئله‌ای بتواند آن را خارج از رویه‌ها و مقررات عادی، مدیریت کند ما با نوعی امنیتی‌سازی مواجه‌ایم (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 25). این مفهوم همچنین نشان می‌دهد یک موضوع، شخص، یا گروه چگونه در فرآیندی خاص، به مسئله‌ای امنیتی یا تهدید تبدیل می‌شود و یا چگونه مستعد پروژه امنیتی شدن و تلقی آن به مثابه تهدیدی بالقوه می‌گردد.

بر اساس مفروضات این مکتب یک موضوع یا غیرسیاسی است (زمانی که دولت در یک موضوع دخالتی نمی‌کند)،

یا سیاسی (زمانی که یک موضوع قسمتی از سیاست عمومی باشد و مستلزم تصمیم‌گیری حکومت است)، یا امنیتی‌شده (زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید وجودی معرفی می‌شود و فراتر از سیاست عادی توجیه می‌شود)، و یا امنیتردایی شده (زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید تعریف نمیشود و دوباره به حوزه عمومی منتقل می‌شود). در این نگاه «پدیده‌های سیاسی» گفتگوپذیر و محل سازشند اما «پدیده امنیتی»، برای یک دولت و جامعه سیاسی تهدید به شمار میرود (بوزان، وید، دووولد، ۱۳۹۵: ۴۸). پس در فرایند امنیتی سازی یک موضوع، باید آن را آنچنان پر اهمیت نشان دهیم که نایست بر سر آن بحث کرد و چک و چانه زد؛ بلکه رهبران سیاسی باید تصمیمی قاطع در مقابل آن بگیرند (بوزان، وید، دووولد، ۱۳۹۵: ۵۹). درمقابل



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوراسلامی ایران؛
مطالغهموردی‌تویبیتز
وتلگرام

- 1- Subunits
- 2- Individuals
- 3- Securitization
- 4- Emergency measures

نیز سیاسی شدن به این معنی است که موضوعی به طور آشکار مورد بحث و انتخاب در حوزه رسمی قرار بگیرد و در مورد آن تصمیم گیری شود. اما امنیتی شدن حرکت از سیاسی شدن به حوزه امنیت دولت است؛ مرحله‌ای که در آن، موضوع امنیتی شده فراتر از قوانین رسمی دنبال میشود (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۶). این فرایند امنیتی سازی عموماً در سه مرحله اجرایی شود: معرفی یک پدیده به عنوان تهدید وجودی^۱ و مهم از سوی بازیگران امنیتی ساز، اقناع مخاطبان هدف، تصمیم گیری و اجرا (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸). در جریان امنیتی شدن نیز توجه به پنج عنصر ضروری است. ۱) هدف مرجع (بازیگران امنیتی کننده ۳) بازیگران کارکردی (۴) مخاطبان هدف (۵) شرایط تسهیل کننده (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 35-37).

هدف مرجع آن چیزی است که تصور می‌شود «به لحاظ وجودی تهدید شده است». گرچه هدف مرجع تاکنون عموماً دولت بوده، اما بازیگران امنیتی‌ساز میتوانند هر چیزی را (هویت ملی، گروه‌های اجتماعی، افراد) هدف مرجع تعریف کنند. بازیگران امنیتی‌ساز (نخبگان سیاسی، حکومت، گروه‌های فشار و ارتش) کسانی‌اند که گفتمان امنیتی را برای امنیتی کردن یک موضوع اجرا می‌کنند.^۲ بازیگران کارکردی، نهادهایی‌اند که به واسطه برخورداری از سرمایه اجتماعی خود بر تصمیم‌ها در حوزه امنیت تأثیر می‌گذارند. آنها با تکرار گفتمان حاکم بازیگران امنیتی‌ساز در این جریان شرکت می‌کنند. مثلاً رسانه‌های جمعی یک عامل بیرونی تأثیرگذار در سیر امنیتی شدن است که به اقدام گفتاری امنیتی شدن کمک میکند (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷). در مورد مخاطبان هدف باید توجه نمود که تنها شامل توده مردم نیست، بلکه می‌تواند از تصمیم‌گیرندگان سیاسی تا نخبگان دیوانسالار (بوروکرات) یا افسران ارتش را شامل بشود. نکته آن است که «امنیتی شدن» زمانی موفق است که مخاطبان هدف، آن را امنیتی بدانند (بوزان، ویور، دووید، ۱۳۹۵: ۵۳) یعنی آن را فراتر از مرزهای «سیاست عادی» تلقی کنند. تا زمانی که چنین پذیرشی محقق نشود، تنها میتوان از تلاش امنیتی صحبت کرد (حاجی‌مینه،

1- Existential threat

۲- نباید از نظر دور داشت که بازیگران امنیتی ساز اغلب منافع شخصی خود را پنهانی دنبال می‌کنند و به این طریق شانس برنده شدن در مقابل مخاطبان هدف را نیز دارند. (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷)



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوراسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتر
و تلگرام

۱۳۹۲: ۱۷). اما شرایط تسهیل کننده به عنوان مفهوم پنجم، شامل شرایط داخلی، منطقهای یا جهانی میشود. شرایطی که به بازیگران امنیتی کننده در تعیین موضوعهای مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدیدهای وجودی کمک میکنند (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۷). در پایان این فرایند هم مرحله امنیت زدایی قرار دارد. امنیت زدایی، برگشت به رویه پیشین است، به این معنی که موضوعها از حالت اضطراری خارج و دوباره به جریان چانه زنی عادی در حوزه سیاسی برمیگردند. به عبارت دیگر، سیری است که در چارچوب آن موضوعهای خاص از حوزه فراسیاسی و امنیتی خارج شده و به حوزه سیاست روزمره و عادی بازگردانده می‌شوند. در دوره‌ی امنیت زدایی، اهداف مرجع امنیتی شده با کمک بازیگران کارکردی تحت شرایط آسان کننده در جهت عکس روند امنیتی شدن، دوباره سیاسی میشوند. برای امنیت زدایی باید مخاطبان هدف متقاعد شوند که هدف مرجع از نظر وجودی تهدید نشده است و اقدامات پیشین، نتیجه معکوس داده‌اند (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۸).

در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از این چارچوب نظری و شاخص‌های برگرفته از آن (انواع موضوع، عناصر موثر، و مراحل امنیت‌سازی) که به تعبیر پیشگفته شیوهای مناسب برای مطالعه مدیریت بر امنیت است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱) به بررسی روند و مدل مدیریت فضای سایبر در ج.ا. با تاکید بر تلگرام و توییتر پرداخته شود.

۲- روش پژوهش

روش پژوهش در مطالعه حاضر اسنادی است. نوع پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی است. به این معنا که پس از گردآوری داده‌ها از اسناد معتبر، ضمن گزارش و توصیف آنها، براساس شاخصها و مدل برگرفته از چارچوب نظری جایابی و سپس تحلیل شده‌اند. بدیهی است در این فرایند به منظور معنادار ساختن داده‌ها، این داده‌ها در درون مدل به دست آمده قرار گرفته‌اند. آنچه در عمل توصیف و سپس تحلیل شده این است که پس از ارائه تعاریف اولیه از مفاهیم و متغیرهای اصلی پژوهش، به احصا و بررسی مجموعه قوانین و مقررات مرتبط



با حوزه فضای سایبر به ویژه تلگرام و توییتر پرداخته شده است. در این مسیر توجه به مواضع رهبران و مسئولان و تصمیمگیران ج.ا در حوزه اینترنت و فضای سایبر بخشی مهم از این احصا و بررسی است. در مرحله بعد پس از دسته بندی داده‌های اولیه، با استفاده از شاخص‌های به دست آمده از بخش چارچوب نظری و با تطبیق آنها با هریک از تصمیمات مهم، به استخراج نقاط افتراق و اشتراک مدل مدیریتی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران با مراحل و ویژگی‌های امنیتی سازی مدل نظری مکتب کهنه‌هاگ پرداخته شده است. در پایان نیز مدل برگرفته از شیوه مدیریت فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.

۳- نهادهای دخیل در مدیریت فضای سایبر در ایران

در ساختار رسمی جمهوری اسلامی نهادهای متعددی در مدیریت فضای سایبر نقش دارند.^۱ مطابق این ساختار، عالی‌ترین نهاد تصمیمگیر در این حوزه شورای عالی فضای سایبر است که اصلی‌ترین تصمیمات این حوزه را اتخاذ می‌کند.



شورای عالی فضای مجازی: ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ مقام معظم رهبری در حکمی، تشکیل شورای عالی در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات را دستور دادند. شورای عالی فضای سایبر در ذیل آن، مرکز ملی فضای سایبر به عنوان نهادی که با حضور تمامی قوای کشوری و لشکری تشکیل شده است، وظیفه سیاست‌گذاری در این حوزه را برعهده دارد.^۲ با توجه به محورهایی که در حکم، بر آنها تاکید شده، نقش محوری شورا در مدیریت فضای سایبر بارز

سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
اگویایی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتر
و تلگرام

۱- ممکن است نهادهای دیگری هم در مدیریت این فضا نقش داشته باشند اما در مطالعه حاضر معیار اصلی ساختار رسمی و علنی جمهوری اسلامی ایران است.
۲- این شورا متشکل از اعضای حقیقی و حقوقی است که به مدت سه سال تعیین می‌شوند. اعضای حقوقی شامل این موارد است: روسای قوا، رئیس سازمان صداوسیما، دبیر شورا و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، وزیران ارتباطات و فناوری اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم و تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، اطلاعات، دفاع، معاون علمی و فن‌آوری رئیس‌جمهور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه، فرمانده انتظامی ج.ا و دادستان کل کشور

است.^۱

قوه مجریه: در قوه مجریه نهادهای زیر در مدیریت فضای سایبرنقش دارند:

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: مهم‌ترین نهادی که در ذیل وزارت ارتباطات، کار ارائه مجوزها و نظارت بر حسن انجام تعهدات را برعهده دارد، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی است که با استناد به ماده ۷ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی) از تجمیع معاونت امور مخابراتی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و اداره کل ارتباطات رادیویی، به منظور ایفای وظایف و اختیارات حاکمیتی، نظارتی و اجرایی در بخش تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی وابسته به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تأسیس شده است. (درگاه اینترنتی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات).

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: آنچه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات انجام می‌دهد در زمینه زیرساخت‌های فنی است، اما شرکت‌هایی که می‌خواهند در زمینه تامین و انتشار محتوای الکترونیکی فعالیت داشته باشند، موظف هستند مجوزهای لازم را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کنند. به طور مشخص دو نهاد در این وزارتخانه وظیفه ارائه مجوزهای لازم را برعهده دارند. اول مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال. این مرکز دارای دو **واحد اجرایی مستقل** و یک واحد برنامه‌ریزی است. یکی از واحدهای اجرایی ۱- «گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بویژه شبکه جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکزی برای سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای سایبر کشور بوجود آید. به این مناسبت شورای عالی فضای سایبر کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود این شورا وظیفه دارد مرکزی به نام مرکز ملی فضای سایبر کشور ایجاد کند تا اشراف کامل و به‌روز نسبت به فضای سایبر در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه سطوح تحقق یابد»



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوراسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتر
و تلگرام

متصدی توسعه کاربری فناوری اطلاعات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و دیگری بخش متولی ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال در کشور است. دوم بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای. این بنیاد که با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده، ۱۱ وظیفه دارد که از سیاست‌گذاری در زمینه تولید بازی‌های رایانه‌ای تا نظارت بر این بازی‌ها را شامل می‌شود. (درگاه اینترنتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

قوه قضاییه: همانند تمامی بخش‌های مختلف کشور، قوه قضاییه بر عملکرد شرکت‌های و افراد فعال در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز نظارت دارد. قانون جرایم رایانه‌ای این وظیفه را مشخص کرده است که مهم‌ترین بخش آن به کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه باز می‌شود. این کمیته که به کمیته فیلترینگ مشهور است براساس ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای تشکیل شده و مسئولیت نظارت بر فضای سایبر و پالایش تارنماهای حاوی محتوای مجرمانه و رسیدگی به شکایات مردمی را برعهده دارد. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است آنچه این کارگروه به عنوان محتوای مجرمانه تشخیص می‌دهد را مسدود (فیلتر) کند.^۱ از سوی دیگر براساس قانون جرایم رایانه‌ای چنانچه محتوای مجرمانه موجود در اینترنت، داخلی باشد یا سایت متخلف در داخل ایران میزبانی (هاستینگ) شود، دادستانی به صورت مستقل می‌تواند دستور مسدودسازی آن را صادر کند. (درگاه اینترنتی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه).

۱- سیاست فیلترینگ: عبارت است از محدودیت و نظارت ساختاریافته و هدفمند بر دسترسی کاربران اینترنت به وبگاهها و خدمات اینترنتی که از دیدگاه متولیان فرهنگی و سیاسی هر کشور برای مصرف عمومی مناسب نیست. اعمال فیلتر به وسیله ارائه دهندگان خدمات اینترنتی انجام می‌شود؛ ولی تعیین سطح، مصادیق و سیاستهای فیلترینگ، با حکومتهاست. (محبی، ۱۳۸۵، ۱۶) فیلترینگ، در ایران براساس قوانین مصوب در مجلس شورای اسلامی اعمال میشود و طیف گسترده‌ای از وبسایتهای اینترنتی، از هرزهنگاری گرفته تا سیاسی را در بر میگیرد. (مهر، ۱۳۸۷: آنلاین) هرچند فیلترینگ، از ابتدای ورود اینترنت به ایران و با هدف جلوگیری از دسترسی کاربران به وبسایتهای مغایر با قوانین و سیاستهای جمهوری اسلامی ایران از سوی شرکت مخابرات ایران صورت میگرفت، اما در سال ۱۳۸۱ فیلترینگ، به صورت جدی مورد توجه واقع شد. کمیته‌های سه نفره شامل: نماینده وزارت اطلاعات، نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نماینده صداوسیما برای رسیدگی به وضعیت اینترنت تشکیل شد و بعد از مدت کوتاهی نماینده دبیرخانه شورای اسلامی و نماینده سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان دو عضو دیگر، به این کمیته پیوستند (بصیریان چهرمی، ۱۳۹۷: ۳۲).

قوه مقننه: قوه مقننه هر چند با تاخیر تلاش داشته است در این خصوص بسترهای قانونی لازم برای اعمال حاکمیت بر فضای سایبر را فراهم نماید. از جمله قانونگذاری های بستر ساز در این خصوص می توان به قانون تجارت الکترونیک و قانون جرائم رایانه ای اشاره نمود.

قانون تجارت الکترونیک

این قانون که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید نخستین و مهمترین متن قانونی برای تدوین شیوه های حکمرانی بر داده های شخصی در فضای سایبر است. ماده ۵۸ این قانون به اصل رضایت در جمع آوری و پردازش اطلاعات، وضعیت جسمانی، روانی یا جنسی اشخاص اشاره می کند. ماده ۵۹ نیز اذعان میدارد « در صورت رضایت شخص موضوع « داده پیام » به شرط آنکه محتوای داده پیام وفق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد، ذخیره، پردازش و توزیع داده پیام های شخصی در بستر مبادلات الکترونیکی باید با لحاظ شرایط زیر صورت پذیرد...» (

مزینانیان، ۱۴۰۲، ۲۱۵)

قانون جرائم رایانه ای

این قانون که با هدف حمایت همه جانبه از اقدام اشخاص در اتخاذ تدابیر امنیتی برای سیستم یا داده های خود، در ماده ۱ دسترسی غیر مجاز را جرم انگاری کرده است. همچنین ماده ۱۷ این قانون نقض اصول راجع به افشا داده ها را جرم انگاری کرده است. (مزینانیان، ۱۴۰۲، ۲۱۷) در مجموع به نظر می رسد در این قانون نیز به شکل تنظیم گری و تدوین قانون و از بالا برای حکمرانی بر فضای سایبر و لو در شکل حفظ حریم خصوصی اقدام شده است.

در سایر مقررات تدوین شده نیز مانند آیین نامه فعالیت پایگاه های اطلاع رسانی (سایت ها) اینترنتی (مصوب سال ۱۳۸۵ هیئت وزیران) و نیز آیین نامه واحدهای ارائه کننده خدمات اطلاع رسانی و اینترنت مصوب سال ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی ، و همچنین اصول و سیاست های حاکم بر مجوز خدمات سلامت در فضای سایبر مصوب کمیسیون عالی تنظیم مقررات



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتز
و تلگرام

فضای سایبرد در سال ۱۳۹۲ این رویکرد تنظیم‌گیری و کنترل از بالا مشاهده می‌شود.

صدا و سیما: افزون بر عضویت رئیس صدا و سیما در شورای عالی فضای مجازی، معاونت فضای سایبر صدا و سیما نیز در زمینه ارائه مجوزهای لازم برای فعالیت شرکت‌هایی که می‌خواهند تلویزیون تعاملی^۱ ارائه دهند، تعیین مسئولیت دارد.

فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران: پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ایران (فتا) یک واحد تخصصی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که وظیفه آن جلوگیری و مبارزه با ایجاد فیشینگ (کلاهبرداری اینترنتی) و جعل، سرقت اینترنتی، هک و نفوذ، جرائم سازمان یافته رایانه‌ای، پورنوگرافی (موارد سوء اخلاقی) و مخصوصاً تجاوز به حریم خصوصی افراد است. همچنین دسترسی غیرمجاز، برداشت اینترنتی غیرمجاز از حساب‌های بانکی اشخاص، شنود غیرمجاز، جعل رایانه‌ای، تخریب و اخلال در داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، استفاده غیرمجاز از پهنای باند بین‌المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی، تولید و آموزش بدافزارها یا نرم‌افزارهای ارتکاب جرایم سایبری و گذرواژه و اطلاعات کاربران از جمله موضوعاتی هستند که مورد پیگیری پلیس فتا قرار می‌گیرند. (وبسایت پلیس فتا، ۱۴۰۱).

۴. چالش‌های حکمرانی فضای سایبرد ایران

صرف نظر از نهادهای موثر بر شیوه حکمرانی بر فضای سایبرد جمهوری اسلامی ایران، برخی چالش‌های جدی نیز حکمرانی مطلوب را با مانع مواجه ساخته‌اند. به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

محدودیت‌های زیرساختی

از موانع مهم در حکمرانی فضای سایبرد ایران، محدودیت‌های زیرساختی است. با وجود تلاش‌های دولت برای توسعه زیرساخت‌های بومی، هنوز



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
آگهی حکمرانی
فضای سایبرد
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتر
و تلگرام

بسیاری از سرویس‌های اینترنتی و فناوری‌های مرتبط با فضای سایبردر ایران زیرساخت‌های خارجی وابسته هستند. این وابستگی دسترسی به سرویس‌های جهانی و نیز رقابت با سرویس‌های بومی را دشوار می‌کند (مهرابیان، ۱۳۹۷: ۵۹).

چالش‌های حقوقی و قانونی

از دیگر موانع حکمرانی فضای سایبردر ایران، چالش‌های حقوقی و قانونی است. با وجود تصویب قوانین مختلف مانند قانون جرایم رایانه‌ای، هنوز برخی از ابعاد فضای مجازی، از جمله حقوق کاربران و حفاظت از داده‌ها، به‌طور کامل قانون‌مند نشده است. همچنین، هماهنگی میان نهادهای مختلف دولتی و قضایی در این زمینه همیشه به‌درستی انجام نمی‌شود (کاظمی، ۱۳۹۹: ۷۰).

مقاومت کاربران

در برخی موارد، کاربران ایرانی با ابزارهای مختلف مانند استفاده از فیلترشکن‌ها یا شبکه‌های اجتماعی غیرمجاز به سیاست‌های کنترلی دولت واکنش نشان می‌دهند. این امر باعث شده است که دولت موفق نشود به‌طور کامل به اهداف خود در زمینه نظارت و کنترل دست یابد (غفوری، ۱۳۹۶: ۴۲). به این مسئله اجتماعی نشدن فرهنگ استفاده از فضای سایبر در میان جامعه را نیز باید اضافه نمود (کاظمی، ۱۳۹۹: ۶۹).

۴- توییتر در ایران

توییتر از پرطرفدارترین شبکه‌های اجتماعی ایران است. این میکرو بلاگ در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸) به عنوان چهارمین وبگاه پربازدید ایرانیان از سوی سایت الکسا معرفی شد (وبسایت عصرایران، دسترسی ۱۳-۱۴۰۱/۵). توییتر در ایران فیلتر است و کاربران مستقیم به آن دسترسی ندارند. با این حال مقایسه آمار توییتر در سال ۹۹ و ۱۴۰۰ نشان می‌دهد شمار کاربران فارسی زبان از ۲ میلیون کاربر در سال ۹۹ به ۳.۲ میلیون در سال ۱۴۰۰ رسیده است. همچنین تعداد توییت‌ها نیز از ۵۰۰ میلیون به ۷۹۰



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبردر
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتر
و تلگرام

میلیون توییت افزایش داشته است. در این بین تعداد کاربرانی که بیش از ۱۰۰ هزار فالوور دارند ۱۷۰ و بیش از ۲۰ هزار فالوور حدود ۱.۳ هزار کاربر بوده است. (مرکز پژوهشی بتا، ۱۴۰۱).^۱

اما درباره فرآیند امنیتی شدن توییت و نیز نهادهای موثر در فیلترشدن این میکرو بلاگ محمدجواد آذری جهری وزیر ارتباطات در دولت دوازدهم این فرایند را چنین بیان کرده است: «مقوله فیلترینگ براساس یک چارچوب و قانون مشخص که مصوب مجلس است در کشور اعمال و مکانیزم انجام فیلترینگ در کارگروهی که در دادستانی کل کشور است مشخص می شود. ضمن اینکه جدا از تصمیم گیری هایی که در این خصوص توسط کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه اتخاذ می شود، براساس قوانین مدنی کشور قضاوت هم می توانند در این خصوص تصمیم هایی اتخاذ کنند... اما قوه قضائیه در برخی مواقع به موضوع پیشگیری از انجام یک جرم استناد و بر همین اساس اعلام می کند که من مختار هستم مستقیم وارد و یک شبکه را فیلتر کنم.» وی ادامه می دهد «در ایران برای فیلتر شدن سرویس ها دو نوع مسأله وجود دارد. یک مسأله حاکمیتی و دیگری هم مسأله فرهنگی و اخلاقی. شبکه اجتماعی مانند توییت شبکه ای با مطالب غیر اخلاقی و غیر فرهنگی نیست و مقوله فیلترینگ توییت بواسطه موضوعات حاکمیتی انجام شده است. به طور خاص این شبکه (توییت) در رخداد سال ۸۸ موضعی علیه حکومت ایران داشت. در آن زمان و براساس اظهاراتی که از سوی مدیر این شبکه مطرح شد دولت ایران این تصور را داشت که آنها در امور داخلی کشور دخالت کرده اند و فیلتر توییت به این دلیل اتخاذ شد. تصمیم گیری در این خصوص تنها بر عهده وزارت ارتباطات نیست. تصمیم گیر اصلی این موضوع مرجعی به نام شورای عالی فضای سایبر است و این مجموعه باید تصمیم نهایی در این خصوص را اتخاذ کند. در حال حاضر آنها درخواستشان را مطرح کرده اند و شورای عالی فضای سایبر باید بررسی های لازم برای این گفت و گو را انجام دهد در نهایت نیز ما براساس رهنمودها و دستورات این شورا اقدام های لازم را انجام خواهیم داد (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱/۷/۳).

۱- متعاقب مسدود شدن توییت پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، توییت از جمله بسترهایی بود که برای اطلاع رسانی سریع و مخابره اخبار مورد استفاده گسترده قرار گرفت. از آن سال جز در مقطعی کوتاه در سال ۱۳۹۱ توییت در ایران فیلتر است.

این مصاحبه از نمونه‌هایی است که به خوبی شیوه مدیریت و به عبارتی امنیت‌سازی توییت‌ها را در ایران نشان می‌دهد. جایی که یک شبکه اجتماعی از سوی تصمیم‌گیران و بازیگران امنیت‌ساز به عنوان تهدید مطرح می‌شود و در نهایت با کمک بازیگران کارکردی سبب فیلترینگ آن می‌شود. در این فرایند البته جایی برای مرحله اقناع و همراه سازی افکار عمومی دیده نمی‌شود.

در ادامه به برخی سیاست‌هایی که با همین رویکرد در خصوص پیام رسان توییت‌ها اتخاذ شده، اشاره می‌کنیم

- 1- فیلترینگ: متعاقب ناآرامی انتخاباتی سال ۱۳۸۸ و استفاده گسترده معترضان از توییت‌ها به منظور تبادل اطلاعات و گاه سازماندهی اعتراضات، مسئولان اقدام به فیلتر کردن این پلتفرم کردند. این تصمیم به ویژه پس از آن اتخاذ شد که توییت‌ها به عنوان ابزاری برای انتقال اخبار از داخل کشور به بیرون تبدیل شده بود (حکمت‌جو، ۱۳۹۸، ص، ۸۲). فیلترینگ نه تنها دسترسی به این رسانه را محدود کرد، بلکه سبب شد حاکمیت از ابزارهای مختلف برای مسدود کردن دسترسی به آن نیز بهره ببرد.
- 2- نظارت و رصد محتوای توییت‌ها: در پی مسدود شدن استفاده از پلتفرم توییت‌ها، نهادهای حاکمیتی و گاه امنیتی به شکل فعال محتوای منتشر شده در توییت‌ها را رصد نمودند. این نهادها از اطلاعات بدست آمده برای شناسایی و کنترل فضا و نیز افرادی که قصد اجرای برنامه یا هدف خاصی را داشتند استفاده کرده‌اند (ناصری، ۱۴۰۱، ص، ۳۰).
- 3- ممانعت از استفاده بدون محدودیت: با توجه این سابقه استفاده از توییت‌ها در ناآرامی‌ها و نیز محبوبیت توییت‌ها در دنیای دیجیتال، حاکمیت درصدد برآمد در نهایت دسترسی به این پلتفرم محدود نماید. برای نمونه، وزارت ارتباطات از ابزارهای فنی مختلف همانند مسدودسازی سرویس‌های وی‌پی‌ان و فیلترشکن‌ها، استفاده نمود تا دسترسی آزاد به این پلتفرم را محدود تر نماید (سلطانی، ۲۰۱۸، ص، ۱۱۸).

در تمامی سیاست‌های اتخاذ شده البته در کنار نهادهای یاد شده نقش

نهادهایی همچون وزارت اطلاعات و نمایندگان آن، (حکمت‌جو، ۲۰۱۹، ص. ۸۵)، گزارش‌های نهادهای امنیتی (ناصری، ۱۴۰۱، ص. ۳۲)، شورای عالی فضای سایبر به مثابه شورایی فراقوه‌ای و مرجع نهایی در سیاست‌گذاری‌ها و اتخاذ تصمیمات نهایی تعیین‌کننده بود. شورای عالی فضای سایبر تا سالها پس از ناآرامی‌های سال ۱۳۸۸ مستمر به بررسی اعمال فیلتر یا نظارت بر این پلتفرم توجه نشان داده است (سلطانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۰).

۵- تلگرام در ایران

تلگرام پرطرفدارترین شبکه اجتماعی در ایران است. طبق آمار مرکز پژوهشی بتا (بررسی و تحلیل اطلاعات)، تلگرام تا سال ۱۴۰۰ و با وجود فیلتر بودن بیش از ۴۹ میلیون کاربر در ایران دارد.^۱ طی سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ تعداد گروه‌های فعال تلگرام از ۲ میلیون به ۲/۵ میلیون گروه و تعداد کانال از ۲ میلیون به ۲/۸ میلیون کانال افزایش یافته است (مرکز پژوهشی بتا، ۱۴۰۱).

در پی برخی ابراز نگرانی‌های نهادهای حاکمیتی ایران، در اردیبهشت ۱۳۹۵ مطابق مصوبه شورای عالی فضای سایبر به این شبکه اجتماعی ۱۲ ماه مهلت داده شده تا سرورها را به ایران منتقل کنند. پاول دورف مالک این شبکه اعلام نمود سرورهای تلگرام به ایران منتقل نخواهند شد. اما متعاقب ناآرامی‌های دی ۹۶ در ایران، مسئولان تصمیم گرفتند تلگرام را اینستاگرام را نیز همچون توییتر فیلتر کنند. در پی این تصمیم شماری از مسئولان و نیز نهادهای فعالیت کانال‌های خود را در تلگرام متوقف کردند. در نهایت در ۱۰ اردیبهشت ۹۷ با دستور قضایی تلگرام از دسترس کاربران ایرانی خارج شد. در این دستور قضایی آمده بود: «کلیه ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی به اینترنت کشور خصوصاً شرکت ارتباطات زیر ساخت و اپراتورهای تلفن و دارندگان پروانه ارائه خدمات ارتباطات ثابت مکلفاند از این تاریخ نسبت به اعمال مسدودسازی کامل وبسایت و اپلیکیشن شبکه اجتماعی تلگرام اقدام کنند» (خبرآنلاین،



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه‌موردی توییتر
و تلگرام

۱- این مرکز تاکنون یعنی تا اسفند سال ۱۴۰۲ آمار جدیدتری ارائه نکرده است.

دسترسی در ۱۴۰۰/۳/۱۶). آنگونه که ملاحظه می شود نقطه عطف برای تصمیم به فیلترینگ تلگرام همانند توییت‌نگاه امنیتی بود. بر اساس این گزارش همچنین دلایل زیر از سوی مسئولان برای این اقدام ذکر شده بود:

- اختلال در وحدت ملی و ایجاد اختلاف بین قشرهای جامعه به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی، قومی در کنار تحریک و اغوای مردم به شورش و آشوب.

- جمع‌آوری اطلاعات مردم و کشور و دسترسی بیگانگان به حریم خصوصی و داده‌های شهروندان ایرانی و جاسوسی به نفع اجانب.

- انتشار، توزیع و تجارت انواع محتوای مستهجن و خلاف عفت عمومی و گسترش فساد و فحشا در جامعه.

- اهانت به مقدسات و ارزش‌های اسلامی و تبلیغ به نفع فرقه‌های منحرف و مخالف اسلام.

- نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و لطمه به آسایش عمومی.

- قاچاق کالا، ارز، مواد مخدر و سایر کالاهای غیرمجاز.

- اقدام علیه امنیت کشور از طریق گروهک‌های تروریستی.

- کلاهبرداری، نقض مالکیت معنوی و سایر جرائم مالی.

- تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران.

- هتک حیثیت اشخاص.

حکم مسدود سازی به فاصله یک روز از صدور آن یعنی ۱۱ اردیبهشت اجرا شد (وبسایت باشگاه خبرنگاران جوان، دسترسی در ۱۴۰۱/۶/۱۳). عبدالصمد خرم‌آبادی دبیر کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مجرمانه و معاون قضایی دادستان کل کشور در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ اعلام کرد: «مردم به



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییت
و تلگرام

شایعات در خصوص این که فیلترینگ تلگرام موقت است توجه نکنند. فیلتر تلگرام دائمی و قطعی است. به حول و قوه الهی کشور ایران در فضای سایبرمستقل خواهد شد و ارتباطات مردم در این فضا هم از نظر سرعت و هم کیفیت و کمیت نسبت به گذشته افزایش خواهد داشت و تلگرام و سایر پایگاه‌های اینترنتی که قوانین کشور را نادیده گرفته‌اند هیچ جایی در آینده فضای سایبرکشور نخواهند داشت و انشالله استقلال و حاکمیت ملی در فضای سایبر تثبیت خواهد شد لذا تلگرام به هیچ وجه رفع فیلتر نخواهد شد» (خبرگزاری ایسنا، دسترسی ۱۴۰۱/۶/۱۷)

در ادامه بسیاری از کاربران ایرانی با استفاده از فیلترشکن به حضور در این پیامرسان ادامه دادند. در مقابل عبدالصمد خرم‌آبادی دبیر کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و معاون قضایی دادستان کل کشور در امور فضای سایبر ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ با انتشار پستی در کانال خود در پیام رسان سروش اعلام کرد: فعالیت صنفی در بستر تلگرام ممنوع است. واحدهای صنفی و کسب و کارهای اینترنتی باید فعالیت‌های خود را به شبکه‌های اجتماعی داخلی منتقل نمایند. او تهدید کرد اگر واحدهای صنفی به فعالیت صنفی یا تبلیغاتی در تلگرام ادامه دهند، وزارت صنعت، معدن و تجارت و مراجع صنفی (اتاق اصناف و اتحادیه‌های صنفی) اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند^۱ (خبرگزاری ایسنا، دسترسی ۱۴۰۱/۶/۱۷).

نوع مواجهه مسئولان در قبال پیام رسان تلگرام نیز نشان داد متعاقب تاثیر و نقش آن در ناآرامی‌های دی ۹۶، مواجهه با آن در قالب امنیت‌سازی تلگرام آغاز شد. در این مرحله نیز همانند تویتر اقداماتی همچون فیلترینگ، محدودسازی فنی و محتوایی و نیز اعمال نظارت بر کانال‌های مختلف بر این پلتفرم اعمال شد. تنها تفاوت قابل توجه در این میان برنامه ریزی برای جایگزینی پلتفرم

۱- به کلیه واحدهای صنفی اعم از کسب و کارهای اینترنتی و غیر اینترنتی سراسر کشور اعلام و ابلاغ نمایند» از هرگونه فعالیت تبلیغاتی و خدماتی در پیام رسان فیلتر شده تلگرام اکیدا خودداری کنند و فعالیت‌های خود را به شبکه‌های اجتماعی بومی منتقل نمایند. در صورتی که واحدهای صنفی پس از اطلاع‌رسانی به فعالیت صنفی یا تبلیغاتی خود در بستر شبکه اجتماعی تلگرام ادامه دهند، وزارت صنعت معدن تجارت و مراجع صنفی اقدامات قانونی لازم را بعمل آورند. (خبرگزاری ایسنا، دسترسی ۱۴۰۱/۶/۱۷).



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی تویتر
و تلگرام

تلگرام و دیگر پلتفرم های غیر ایرانی با پیام رسانی های داخلی بود. ترویج و تقو پیام رسانی هایی مانند «سروش»، «گپ» و «بله» با هدف جایگزینی تلگرام و کاهش وابستگی به پلتفرم های خارجی معرفی صورت گرفت. این در حالی است که همزمان، بازیگران کارکردی و نیز نهادهای تسهیل گر به ویژه رسانه و به طور ویژه صداوسیما با ایجاد کمپین های برنامه ریزی شده، تلاش کردند این پیام رسانی را به عنوان تهدیدی برای سیاست و اقتصاد و فرهنگ معرفی و مردم را به استفاده از این پیام رسانی ها تشویق کنند (حکمت جو، ۱۴۰۱، ص، ۹۲). این در حالی است که واکنش های مردم و کاربران مطابق انتظار این نهادها پیش نرفت. استفاده از همان پلتفرم ها و بهره گیری از فیلترشکن ها برای عبور از محدودیت ها تنها یکی از این واکنش های گسترده بود. چون نهادهای تسهیل گر به جای اقناع به تهدید نمایی و مشروعیت سازی برای تصمیمات اتخاذ شده روی آورده بودند. نهادهای کارکردی دیگر که در خصوص توییتتر به آنها اشاره کردیم در قبال تلگرام هم در همین مسیر نقش آفرینی کردند.

نتیجه گیری

به نظر می رسد بتوان مدل حکمرانی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران را حسب داده های ارائه شده در این مطالعه ترکیبی از مدل نظارت و کنترل و مدل تنظیم گری و قانونگذاری دانست. در این مدل ترکیبی تلاش می شود فرایندهای نظارتی و کنترلی در قالب و بسترهای قانونی و مشروع اعمال گردد. این نوع مدل مدیریت فضای سایبر البته ریشه در نگاه امنیتی و تهدید محور دارد. با این حال از نگاه چارچوب نظری مقاله، با وجود غلبه وجه امنیتی و عامل امنیتی ساز، اما در نوع مواجهه حاکمیت در جمهوری اسلامی با حکمرانی فضای سایبر و به طور خاص دو پلتفرم توییتتر و تلگرام، به نظر می رسد شیوه مواجهه مدیریتی با این دو پلتفرم، واجد ویژگی هایی است که آن را از مدل امنیتی سازی مکتب کپنهاگ متمایز میسازد. هرچند حسب آنچه از نظریه امنیتی سازی در اینجا مطرح شد وجوه اشتراکی نیز مشاهده می شود. اما در این بین نبود مرحله دوم فرایند امنیتی سازی یعنی اقناع عمومی (مخاطبان هدف) اصلیتترین حلقه مفقوده این فرایند دستکم در خصوص مدیریت توییتتر و تلگرام است.



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
اگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتتر
و تلگرام

با توجه به وجود دو نگاه تهدید محور و فرصت محور در میان کشورها به فضای سایبر، تجربه فیلترینگ توییت‌ر و تلگرام در جمهوری اسلامی نشان داد این شبکه‌ها طی فرایندهایی و با بهره‌گیری از بازیگران امنیتی ساز و بازگران کارکردی به مثابه تهدید وجودی برای مردم و نظام سیاسی معرفی شدند (حسب اتهاماتی که به آنها وارد شده بود)؛ و همین امر نیز انتظاری جز مواجهه بر مبنای امنیتی‌سازی را برای مسئولان باقی نگذاشت. فرایندی که از سوی بازیگران امنیتی ساز شروع می‌شود و به تدریج سایر بازیگران کارکردی و سپس شرایط تسهیل‌کننده در شکل رسانه‌ها، نهادهای همسو و اصحاب تربیون را در یک هماهنگی پای کار آورده است. اما در این بین بخش اقل افکار عمومی و مخاطبان هدف (که در این مدل فراتر از کاربران و مخاطبان عام هستند و بلکه نخبگان فکری جامعه را نیز در بر می‌گیرد) از نظر دور میمانند و چندان به نقش اقلان کننده آنها توجه نمی‌شود.

حسب مطالعه حاضر مرحله اولیه امنیتی سازی که معرفی یک موضوع به عنوان تهدید وجودی است در نوع موضع‌گیری مسئولان و نهادهای اصلی مشاهده شده است. این موضع‌گیری به ویژه در تلقی فضای سایبر به عنوان تهدیدی برای کشور در مواضع ایشان قابل مشاهده است (طرح صیانت از کاربران فضای سایبر نیز البته جدیدترین نوع از این شیوه مدیریت است که جای پرداختن به آن در این مقاله نیست). مرحله دوم امنیتی سازی، اقلان مخاطبان هدف توسط بازیگران امنیتی‌ساز است که با توجه به حضور گسترده کاربران ایرانی در فضای سایبر و بهره‌گیری از آن به عنوان بستری برای کسب و کار باید اذعان نمود فرایندی پرچالش بوده است. مثلاً در مورد توییت‌ر و تلگرام، با وجود اعلام سیاستها و اتخاذ تصمیمات قطعی اما ادامه حضور کاربران در این دو شبکه اجتماعی و استفاده گسترده از فیلتر شکن، نشان دهنده نبود اقلان و یا اجرای ناقص آن است. در نهایت مرحله سوم امنیتی‌سازی که همان اقدامات خاص خارج از رویه‌های سیاسی معمول است، در روند امنیتی سازی فضای سایبر در ج.ا، در موارد متعددی از فیلترینگ توییت‌ر و تلگرام و وضع قوانینی مانند اعمال محدودیت و نظارت و پایش تا مواردی همچون طرح صیانت از کاربران دیده می‌شود. در کلیت این فرایند انگونه که



مشاهده شد برنامه ای جدی، منسجم و هوشمندانه جز چندین سخنرانی و مصاحبه و میزگردهای یکجانبه، برای اقناع مخاطبان و کاربران هدف البته دیده نشده بود.

از این رو باتوجه به دادههای پژوهش، مدل عملیاتی جمهوری اسلامی در مدیریت فضای سایبر به ویژه تلگرام و توییترا میتوان چنین خلاصه کرد : در مرحلهی اول ابتدا مسئله فضای سایبر (توییترا و تلگرام) با توجه به فضای سیاسی کشور به مثابه تهدید برای امنیت کشور معرفی میشوند و در ادامه در مرحله بعدی قبل از اقدام کافی برای اقناع مخاطبان هدف، مرحله اجرای امنیتی سازی از سوی بازیگران امنیتی ساز آغاز می شود. این نقص در فرایند اجرا، بدیهی است که ادامه اجرای این شیوه مدیریت را با چالش مواجه میکند. به این معنا که این فرایند هیچگاه به مرحله پایانی یعنی امنیتزدایی از موضوع و عادی سازی شرایط باز نمیگردد و وضعیت همچنان در شرایط امنیتی سازی تداوم می یابد.



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوراسلامی ایران؛
مطالغهموردی توییترا
وتلگرام

منابع

فارسی

آذرشیب، محمدتقی، نجم آبادی، مرتضی، بخشی تلیابی، رامین (۱۳۹۶). جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل. فصلنامه تخصصی علم سیاسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج)، ۱۳ (۴۰)، ۲۳-۳۴.

بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۲). رسانه‌های اجتماعی: ابعاد و ظرفیتها. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها (با همکاری) پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۳). سیاست و مصرف رسانه‌های اجتماعی مجازی در ایران: چالش‌ها، الگوها و تبیین یک مدل پیشنهادی. رساله دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.

بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۷). سیاستهای محدودسازی اینترنت و رسانه‌های اجتماعی: با تأکید بر رویکردهای فیلترینگ و جایگزینسازی در کشورهای مختلف». فصلنامه مطالعات رسانه‌های جدید. ۴ (۳)، (پیاپی ۱۷)، ۱۴-۲۹.

باشگاه خبرنگاران جوان (۱۴۰۱). فضای مجازی. قابل دسترس در: <https://www.yjc.news/fa/cyberspace>

بوزان، باری، ویور، الی، دووولد پاپ (۱۳۹۵). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. تهران، نشر آگاه.

بوزان، باری، (۱۳۹۷). مردم، دولت‌ها و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

زارع‌زاده، رسول (۱۳۹۶). نگاه کپنهاگی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها. فصلنامه آفاق امنیت. ۱۰ (۳۶)، ۱۰، ۳۳-۴۹.

حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۲). منطقه‌گرایی در آفریقا از منظر مکتب کپنهاگ. فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل. سال سوم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۱ (پیاپی ۵). ۴۹-۲۹.

خالصی، پروین؛ بابایی، محمدباقر؛ مظاهری، محمدمهدی (۱۳۹۸). چالش‌ها، فرصت‌ها و اثرات سیاسی فضای سایبردر نظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹ (۴)، ۱۸۸-۱۶۵.



سال سوم، شماره ۱،
پیاپی ۷، بهار و
تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوری اسلامی ایران؛
مطالعه موردی توییتر
و تلگرام

السريتي، عبدالحفيظ (٢٠٢٣). الاتفاق السعودي الإيراني و انعكاسات ايجابيه منتظره. العربى. تم الاسترجاع ٢٦ سبتمبر ٢٠٢٤ uk.co.alaraby.www

انگلیسی

Alsmadi, F. (2024). *Opportunities and challenges along the path of Saudi-iran relations*. Retrieved September 30, 2024 from: www.mecouncil.org

Brzezinski, Z. (1997). *The Grand Chessboard: American Primacy and Its .Geostrategic Imperatives*. Basic Books

Cafiero, G. (2023). *The Middle East's move towards diplomacy*. Retrieved September 20, 2024 from: www.newarab.com

Cafiero, G. (2024). *A year ago, Beijing brokered an Iran-Saudi deal. How does détente look today?*. Retrieved October 22, 2024 from: www.atlanticcouncil.org

Cofman Wittes, Tamara. (2021). *What to do – and what not to do – in the Middle East*. Retrieved September 25, 2024 from: www.brookings.edu

Conway, P. R. (2019). The Folds of Coexistence: Towards a Diplomatic Political Ontology, between Difference and Contradiction. *Theory, Culture & .Society*

Harrison, R. And Vatanka, A. (2023). *The Middle East Might Be Moving Toward Stability Heightened great power competition is allowing nations to make deals in their own best interests*. Retrieved September 15, 2024 from: www.foreignpolicy.com

Mearshaimer, J. J. (1995). *The False Promise of International Institutions*. The .MIT Press

Noueihed, L. (2023). *Is Quiet Diplomacy Remaking the Middle East?*. Retrieved September 10, 2024 from: www.bloomberg.com

Weitz, R. (2007). Henry Kissinger's philosophy of international relations. *Diplomacy & Statecraft*

Young, J. C. and Young, Robertson, J and Aubert, Béatrice Agathe (2022). Insights from diplomacy for the prevention and resolution of conservation conflicts. *Conservation Letters*. published by Wiley Periodicals LLC



سال سوم، شماره ١،
پیاپی ٧، بهار و
تابستان ١٤٠٣
الگویابی حکمرانی
فضای سایبر در
جمهوراسلامی ایران؛
مطالغهموردی توپیتز
وتلگرام